

یادداشت

غیبت پدافند غیرعامل؛ حضور آفند عامل

تونلی که تا عمق ۳۲ متری زیرزمین می‌رود و در طول تونل هیچ راهی به هوای آزاد ندارد و نمی‌توان از میانه تونل به بیرون رفت. این تونل آماده ایجاد حوادث مختلفی است که می‌تواند همه خودروهای داخل تونل را دچار حادثه کند. مصیبت مضاعفی که تعدا ایجاد کرده‌اند، مسدودکردن ارتباط مسیر شرقی از مسیر غربی است که با مصالح بتنی انجام شده است و ظاهرا دلیل آن را مسائل امنیتی ذکر می‌کنند، یعنی به‌خاطر امنیت، ناامنسی ایجاد می‌کنیم. حداقل اگر این انسداد صورت نمی‌گرفت، امکان کمک‌رسانی از مسیری دیگر وجود داشت. و جالب است که در هیچ بزرگراهی روی زمین مسیره‌ها از یکدیگر جدا نیستند، مگر با گاردریل که به‌تازگی به ابتکار ناقص شهرداری و سود پیمانکاران، وسط بزرگراه بلوک‌های بزرگ موسوم به نیوجرسی چیده‌اند که جداسازی کنند. فردی که خود را پیمانکار معرفی می‌کرد، به نویسنده گشت که تونل توحید ابتدا یک پل با دسترسی‌های مختلف بود که من آن را به تونل تبدیل کردم. به او گفتم که از ساخت پل ۷۰ میلیاردی، مبلغ هفت میلیارد سود می‌گردد ولی از تونل ۷۰۰ میلیاردی، ۷۰ میلیارد سود می‌کنی. واقعیت آن است که به‌جای تونل امکان ساخت پل با یک هزینه ۱۰ درصد در فضای آزاد و امکان دسترسی‌های مختلف وجود داشت ولی حسب اصل آفند ماروزخیستی چنین تونلی ساخته شده است. این را شاهد مثال آوردم زیرا به‌تازگی مسئولان شهرداری گفته‌اند تونلی به طول ۹ کیلومتر از میدان سپاه تا بزرگراه بعثت احداث می‌کنند. صداالبته این هم مشابه تونل توحید با صرف هزینه‌های گزاف خواهد بود و منشأ بروز حوادث ناگوار. البته ظاهرا شهرداری مصمم است چنین اقداماتی انجام دهد و این تونل مانند تونل بزرگراه تهران – شمال مرجعی برای حادثه‌آفرینی خواهد بود. نمی‌دانم دانسته یا ندانسته؛ اصل اصالت ماروزخیستی ابداع آمریکا را برای زندگی برگزیده‌ایم و همه شهر و مردم را فدای خودروی شخصی کرده‌ایم. اشاره‌ای که به تونل‌های بزرگراه تهران شمال کردم، به این سبب است که هم در حال حاضر و هم بعدا که اتوبان تهران – شمال تکمیل شود، این تونل‌ها مرکز توقف خودروها به مدت‌های طولانی خواهد شد. کما اینکه اینک وقتی اتوبان چهارپادنه که خودروها با سرعت ۱۲۰ کیلومتر در آن می‌رانند به جاده قدیم چالوس می‌رسد، به‌دلیل امکان تردد فقط یک خودرو در جاده و دلایل دیگر صف طولیی از خودروهای منتظر ورود به جاده قدیم چالوس حتی تا تهران تشکیل می‌شود و به همین دلیل پلیس راهور در بسیاری اوقات ورودی به اتوبان تهران – چالوس را متوقف می‌کند. بعدا که بزرگراه تکمیل شد، همین مشکل در ورودی به جاده کناره و ورود به چالوس اتفاق خواهد افتاد و مسافران در تونل‌ها محبوس می‌شوند و علاوه بر امکان خفگی هر حادثه‌ای در تونل منجر به ضایعات فراوان انسانی و مالی خواهد شد.

اتفاقا موضوع یادشده را در دو مقطع مختلف زمانی با دو وزیر راه و مسکن که یکی اصولگرا و دیگری اصلاح‌طلب است، در میان گذاشتم و هر دو وزیر این مطالب را تصدیق کردند و در پاسخ اینجانب که چه خواهد شد، یکی از آقایان با خونسردی گفت مردم می‌میرند!

این فقط یک مرجعه و گفت‌وگوی ساده با وزرا نبود، بلکه راهکاری برای جلوگیری از تراکم در تونل‌ها پس از تکمیل بزرگراه تهران – شمال ارائه دادم که در هر دو مورد ضمن تصدیق شفاهی، کار بلاعمل ماند. ظاهرا تصمیم بر آن است که بزرگراه کامل شود و آنگاه منتظر معطل‌ماندن طولانی مردم در تونل‌ها و آزار آنها و احیاءا حوادث تلخ باشند یا پلیس راهور ورود به بزرگراه را ممنوع کند. ادامه کار با روش فعلی یعنی تدارک آفند عامل خودآزاری به‌جای پدافند غیرعامل. البته تدارک این نوع آفند عامل خودآزاری، در کشور ما کم نیست. سالانه هشت میلیارد دلار صرف خرید بنزین می‌کنیم تا مردم در راه‌بندان‌های طولانی منتظر بمانند و هوی آلوده استنشاق کنند و به بیماری‌های مزمن دچار شوند و به‌جای تدارک امکانات حمل‌ونقل عمومی، چنین خودآزاری کنیم. یا ماروت را تصفیه و کوک‌زدایی نمی‌کنیم تا گاز اکسید سولفور ناشی از سوخت آن موجب بیماری مردم و طبیعت شود. اخیرا هم مجلس حذف چهار صفر از پول ملی از جمله دارایی‌های مردم را تصویب کرده تا دولت به اجرا بگذارد و بانک مرکزی هم پیشاپیش چک‌بانک‌های بدون چهار صفر را به چاپ رسانده است. فردا مردم متوجه می‌شوند که مثلا به‌جای ۱۰۰ میلیون ریال دارایی ۱۰ هزار ریال یا قران دارند. قبول کنیم که یک شوک روانی و یک آزرزدگی در سطح جامعه پیدا می‌شود که پایان آن قابل محاسبه نیست و صداالبته اگر بر تورم نیفزاید به‌هیچ‌وجه خاصیت مثبتی نخواهد داشت و این تصمیم هم مصداق سادیسم دولت است که عکس‌العمل آن به‌صورت آزار ماروزخیستی به دولت خواهد رسید. اگر دقت کنیم در کار تصمیم‌گیری اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تدارک خودآزاری بسیار شده و می‌شود و معلوم نیست سازمان پدافند غیرعامل در برابر این نوع آفنده‌های عامل مردم‌آزار چه تدبیری می‌اندیشد. اگر نمی‌تواند پدافند غیرعامل را گسترده کند، حداقل در مقابل این آفندها بایستد که خود کار سترگی است.

افقی:

۱- پنهانور- افراد مشهور و سرشناس- روستای گردشگری شاندیز- ۲- پهلوان- از درجات نیروی دریایی- سلسله آغامحمدخان- ۳- گلسی زیا- تخلص علی اسفندیاری- موضوع ۴- دامنه سبز کوه- اکتون- مستمری ۵- ناشی و بی‌تجربه- تنظیم‌کردن با درنظرداشتن حالت مطلوب- بوی رطوبت ۶- تکرار یک حرف- بلند و والا- از جزایر ایرانی خلیج فارس ۷- پادشاه ماردوش- وضعیت- بیماری اختلال عمل کبد ۸- مقابل رفت- بخشی از مغز همهره‌داران- تسوگواری ۹- حکومت اتحادیه‌ای- واحدی برای اندازه‌گیری زاویه- خط ابداعی سومری‌ها ۱۰- سراینده حدیقه‌الحقیقه- گاز لامپ‌های تبلیغاتی- جانشین او ۱۱- آب منجمد- خبر خوش- سیاره سوزان ۱۲- زادگاه- رهن‌دهنده- چین و چروک پوست ۱۳- صادرکردن- قوای نظامی یک کشور- مشتمال ۱۴- آماده و مهیا- کردهایی سیاسی- مخالف ۱۵- برای بیان درد و آزرزدگی به کار می‌رود- میکروسکوپ- فرزین شطرنج

عمودی:

۱- حالتی مخصوص زن باردار- نوعی خرمای مرغوب جنوب کشورمان- خوشگذرانی ۲- نگارگر نامی مکتب تبریز در قرن دهم هجری- اتومبیل ۳- باطل‌کردن- نشانی- زیلوفات ۴- از حیوانات- یاری- پیل الکتریکی ۵- سبزی کباب- ازهم‌پاشیدن- تلخ ۶- نت سوم- شهری در فلسطین- انجمن بین‌المللی حمل‌ونقل هوایی ۷- نوعی طرح لباس زنانه- طالع‌بین- رازی نهفته ۸- مامور تقسیم آب در مزارع- شهری در

ادامه از صفحه اول

... چه آنکه در رسانه ملی می‌بینیم تنها در موضوعاتی چون زمان پرداخت معوقات فرهنگیان و بازنشستگان، تسویه‌حساب با گندم‌کاران و پرداخت یارانه‌های نقدی، مقامات آن بر قاب تلویزیون و تیتُر رسانه‌ها ظاهر می‌شوند. ولی واقعیت این است که گستره فعالیت‌ها و ماموریت‌های سازمان برنامه بسیار متنوع‌تر و گسترده‌تر از آتی است که این تقلیل و تخفیف نقش و عملکرد به دستگاه خودپرداز و توزیع بودجه (که به زعم برخی همین نقش حداقلی و خنثی خویش را هم به درستی انجام نمی‌دهد)، بتواند ماهیت ذاتی و جایگاه ممتاز راهبری توسعه ملی این سازمان را کم‌اهمیت و ناکارآمد جلوه دهد. بی‌شک نمی‌توان منکر برخی خطاها، غفلت‌ها یا سیاست‌گذاری‌های غلط در مسیر توسعه کشور از سوی این سازمان بود، ولی واقعیت این است که پیش از آنکه انگشت اتهام به سوی این سازمان دراز شود، باید علل و عوامل مؤثر بر این موضوع در منظومه کلان نظام حکمرانی کشور مورد واکاوی و ریشه‌یابی قرار گیرد. سازمان برنامه به عنوان مجری اصل ۱۲۶ قانون اساسی، هم از یک سو زیر فشار نظرات و دیدگاه‌های نمایندگان مجلس و پاسخ‌گویی به تأمین بار مالی‌های گسترده تحمیلی (قانون جهش مسکن، قانون جوانی جمعیت، قانون تبدیل وضعیت اپنارگران و...)، بر بودجه کشور بوده و هم از طرف دیگر درون دولت فشارهای زیادی را برای تغییر در اولویت‌ها یا جابه‌جایی تخصیص‌های بودجه‌ای میان فصول و ردیف مختلف از سوی دولت‌مردان متحمل می‌شود که اساسا وجه مأموریت توسعه‌گرایانه، آینده‌نگری، هماهنگ‌سازی و رفع تعارضات سازمان را کمرنگ کرده و به شدت محدود می‌کند. با این وجود سازمان برنامه با توجه به تجربه و هوشمندی ساختاری خود بر بخش اعظم این فشارها و درخواست‌ها غلبه کرده و به سبب همین «نه» گفتن‌ها و مقاومت‌های مقدس در برابر صیانت از منافع ملی در برابر منافع محلی و خرد است که همواره زیر تیغ یکی از سه پایان‌بندی موصوف (ادغام، انحلال یا انتقام) قرار دارد. واقعا تصور اینکه اگر ممانعت، مخالفت‌ها و حتی ارشادات و پیگیری‌های سازمان برنامه در بسیاری از موضوعات و مسائل کشور نبود و کشور بدون ایفای نقش مسئولانه سازمان برنامه توسط قریب به بیست‌واندی وزارتخانه، سازمان یا معاونت رئیس‌جمهور و حتی فشارها و درخواست‌های متعدد نمایندگان مجلس با ترجیحات، اولویت‌ها و دیدگاه‌های متفاوت و متعارض مدیریت می‌شد، چه بلایی بر سر کشور و منابع محدود و شکننده آن می‌آمد، خود یک ترازدی هولناک دیگری می‌شد که پربیرا نبود که رمان «جنایات و مکافات ۲» از روی آن نگارش شود!
بله! سازمان برنامه یک ترمز هم هست، ترمز در برابر زیاده‌خواهی‌ها و خاصه‌خواهی‌های افراد و گروه‌هایی که هیچ ابایی از هزینه‌کرد بی‌حساب از بیت‌المال و بدون نگرش به خیر عمومی و منافع ملی برای منافع خود، گروه‌های خاص، حزب یا منطقه خود ندارند. سازمان برنامه قریب به ۵۰ سال پیش درخصوص پانگرفتن بنیان‌های تولید در جامعه به ظاهر صنعتی‌شده آن روزهای کشور فریاد زد و گفت سرازیرشدن بدون حساب و کتاب دلارهای نفتی در اقتصاد کشور نه تنها

ادامه از صفحه اول

میلیون‌ها دهقان با این استثمار خشن می‌سوختند و می‌ساختند زیرا در غیر این صورت تیرباران یا مجبور به زندگی در سبیری با شرایطی وحشیانه‌تر بودند، ولی این‌بار هم ابزار سیطره فقط اجبار نبود، به محض آنکه استالین تصمیم به اشتراک‌سای سازی کشاورزی گرفت ماشین تبلیغاتی کمونیست‌ها وارد عمل شد تا این راهبر در در حکم پیشرفت قاج بزند، مهم‌ترین مخاطبانش هم اعضای حزب بودند که باید قانع می‌شدند آنچه محقق می‌شود به مصلحت همگان است. استالین با استفاده از تمامی ابزارهای تبلیغاتی در دسترس خود در داخل و خارج، اشتراکی‌سازی را یک پیروزی معرفی کرد. در روایتی دیگر می‌خوانیم: در تاریخ اقتصادی آمریکا الی ویتنی در کنار توماس ادیسون به‌عنوان یکی از خلاق‌ترین کارسازاران فناوری شناخته می‌شود. ویتنی یک دستگاه پنبه‌پاک‌کن بهبودیافته ساخت که دانه‌ها را به سرعت از پنبه‌های کشت‌شده جدا می‌کرد. در جنوب تولید پنبه از ۱٫۵ میلیون پوند در ۱۷۹۰ به ۳۶٫۵ میلیون پوند در ۱۸۰۰ و به ۱۶۷٫۵ میلیون پوند در ۱۸۲۰ افزایش یافت. در آن زمان حدود سه‌چهارم پنبه جهان از جنوب آمریکا به دست می‌آمد. در ۱۷۸۰ درست پس از استقلال، ایالات متحده حدود ۵۵۸ هزار برده داشت، از اول ژانویه ۱۸۰۸ تجارت برده غیرقانونی شد، اما تعداد بردگان در سال ۱۸۲۰ به ۱٫۵ میلیون و در ۱۸۵۰ به ۳٫۲ میلیون نفر افزایش یافت که بالغ بر ۱٫۸ میلیون نفر از آنها به تولید پنبه مشغول بودند. بین سال‌های ۱۷۹۰ تا ۱۸۲۰، ۲۵ هزار برده به جنوب منتقل شدند. در کل حدود یک میلیون برده به کشتزارهای بزرگی رفتند که بر اثر فناوری ماشین پنبه‌پاک‌کن به‌رهور شده بودند. طی دهه ۱۷۹۰ جمعیت برده جورجیا دو برابر شد. در کارولینای جنوبی شمار بردگان به عنوان درصدی از جمعیت از ۱۸٫۴ درصد در سال ۱۷۹۰ به ۳۹٫۵ درصد در ۱۸۲۰ و ۶۱٫۱ درصد در ۱۸۶۰ افزایش پیدا کرد. از مدت‌ها پیش ایده‌هایی ژئادپرستانه وجود داشت که براساس آن جایگاه عالیهِ سفیدپوستان در یک نظام سلسله‌مراتبی طبیعی به نظر می‌رسید، ولی اینک نکاتی جدید به

این ترکیب اضافه می‌شد تا نظام کشتزارهای بزرگ را برای کل کشور پذیرفتنی کند. جیمز هنری هاموند نماینده کنگره و بعدها فرماندار کارولینای جنوبی دکترین «خیر مطلق» را بر سر زبان‌ها انداخت و این موضع پاسخی مستقیم به کسانی بود که برده‌برداری را غیراخلاقی می‌دانستند. هاموند در نطق ۱۸۳۶ خطاب به مجلس نمایندگان چنین گفت: برده‌برداری شیطنی نیست، برعکس به نظر من این بزرگ‌ترین نعمت ممکن بود که لطف الهی به منطقه شکوهمند ما ارزانی داشت، زیرا بدون آن خاک و آب و هوای حاصلخیزمان معطل می‌ماند. اینک سرزمین جنوبی ما طی تاریخ کوتاهش به خاطر ثروت، تنوع و آوازش زیاندر شده است. به جرئت می‌گویم که روی زمین نژادی شادتر و راضی‌تر (از بردگان) به‌عنوان یک طبقه وجود ندارد. من در میان آنها به دنیا آمده و بزرگ شده‌ام و تا جایی که دانش و تجربه‌ام باری می‌کند باید بگویم آنها دلایل زیادی برای خشنودی دارند: کارهایشان سبک، لباسشان فراهم و غذایشان مناسب است و حتی به مراتب بهتر از کارگران آزاد هر کشوری در جهان به جز کشور خودمان. هاموند تمام تلاش خود را به کار برد تا با تظاهر به منتقدشدن همکان از این وضعیت، ادامه این مسیر را به مصلحت کل کشور نشان دهد و با اقرار توده‌های مردم، بستر لازم برای کسب منفعت گروه پنبه‌کاران را فراهم آورد. در اقتصاد ایران نیز همواره شاهد و ناظر روایت‌هایی از این دست موارد بوده‌ایم. اقتصاد ایران سال‌هاست با مشکلات مربوط به تحریم‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کند. تحریم‌های غرب صدمات جبران‌ناپذیری را بر پیکره اقتصاد ایران وارد کرده است. تحریم‌ها سبب شده ارتباط شبکه بانکی داخلی با نظام بانکداری بین‌المللی مختل شود، مقدار صادرات کاهش یابد یا به علت دادن تخفیف، مبلغ دریافتی ناشی از صادرات تنزل پیدا کند و از سوی دیگر به دلیل تحریم‌ها بخشی از درآمد حاصل از صادرات بلوکه شده و به کشور بازگردانده نشود. میزان سرمایه‌گذاری در صنایع کاهش یابد. ورود تکنولوژی روز دنیا به داخل کشور امکان‌پذیر نباشد و... همه موارد مبین این مطلب است که در اثر تحریم‌ها

سازمان برنامه؛ آخرین سنگر توسعه

بیماری هلندی را در ایران ایجاد می‌کند، بلکه این دلارها روزی را درمی‌آورند و در خیابان علیه حکومت وقت شورش می‌کنند، هشداری که جدی گرفته نشد و در عمل دیدیم آنچه که اتفاق افتاد! سازمان برنامه قریب به چهل‌واندی سال است که از ضرورت مدیریت رشد کلان‌شهرهای متراکم، توزیع متوازن جمعیت و فعالیت در پهنه سرزمین به ویژه در نیمه شرقی و سواحل کشور هشدار داده و مخاطرات مربوط به فرارگیری در تله ورشکستگی آبی و آلودگی هوا و... در کلان‌شهرهای بزرگ و صنعتی کشور را انذار داده است، ولی در عمل نهاد متولی این موضوع یعنی شورای‌عالی شهرسازی (در وزارت راه فعلی) برخلاف همه این توصیه‌ها و هشدارها قاعده‌گذاری و سیاست‌گذاری کم‌اثر و ناکارآمدی انجام داده که در نتیجه امروز تهران را حتی مشهد و اصفهان بی‌شک چیزی جز یک بمب ساعتی برای کشور نیستند. یا در نمونه دیگر درخصوص جمع‌ناپذیر نبودن پیگیری راهبرد امنیت غذایی با مدیریت منابع آبی محدود کشور یا حتی درخصوص واقع‌بینی در مورد مالایطاق بودن رشد اقتصادی هشت‌درصدی در اقتصاد کشور سال‌هاست سازمان برنامه در حال هشدار و انذار به متولیان امر در نهادهای بالادستی و دستگاه‌های اجرایی است؛ ولی اینکه چرا این موضوع در نهایت به اقدامات مؤثر و علاج‌بخش مسئله منجر نشده، آن را نمی‌توان به بی‌کفایتی سازمان برنامه نسبت داد؛ چراکه به علل سیاست‌زدگی و تودرتویی قدرت در کشور هیچ‌گاه ما شاهد شکل‌گیری سازمان برنامه مقتدر و مستقل که حرف آخر و نهایی (مبتنی بر شواهد علمی و بررسی‌های تخصصی) را در تصمیمات حکمرانی بزند، نبوده‌ایم. برای بسیاری از مردم عادی یا حتی برخی از نخبگان همواره این سؤال مطرح بوده که با وجود این حجم از تعارضات و موازی‌کاری‌ها و ناکارآمدی‌ها، چطور وضعیت همچنان پابرجاست! اگر برخی پاسخ‌های ماورائی به این سؤال مهم را کنار بگذاریم، باید گفت آن دست پشت پرده‌ای که بی‌سروصدا در حال ریت‌مدادن و تنظیم‌گری (ولو به زعم برخی حداقلی و کم‌اثر) درون ساختار جزیره‌ای، تودرتو و پیچیده قدرت و دستگاه‌های اجرایی متعدد و متفرق است، همین سازمان برنامه است. سازمانی که مسئولان ارشد نظام و اکثریت مدیران عالی و رؤسای مختلف آن طی ادوار مختلف بدان واقعیت اعتراف دارند که این سازمان با همه کاستی‌ها و نارسایی‌های عارض شده بر آن، دارای یک بدنه باکیفیت کارشناسی است که جمعوعا از اکثریت دستگاه‌های اجرایی کشور بالاتر بوده و دانش و تجربه ضمنی موجود در این بدنه یک ذخیره دانشی و مدیریتی بسیار مهم برای پیشبرد حکمرانی مطلوب در کشور است. در پایان باید گفت سازمان برنامه آخرین سنگر توسعه‌خواهی در کشور است. اگر این سنگر هم روزی بنابر خواست و تمایل برخی بالانشینان قدرت یا بغض و کینه آژمندان به آن فرو بریزد، نباید تردید کرد که کشور بیش از پیش در باتلاق جهل مدیریتی و ترجیحات فردی یا منطقه‌ای حواریون قدرت غرق خواهد شد؛ چه آنکه با انحلال و کم‌اثرکردن سازمان برنامه در دوره رفاه نفتی دولت‌های نهم و دهم، سرتوشت هزار میلیارد دلار یابندی ارزی کشور از فروش نفت برای هیچ‌کس روشن نشد.

تبهکاران نقابدار

هزینه‌هایی به اقتصاد ایران تحمیل شده که می‌توانست در صورت نبودن تحریم‌ها از اقتصاد ایران حذف شود. خلاصه آنکه در اثر تحریم‌ها، نرخ رشد اقتصادی کاهش یافته، جهش‌های چندباره نرخ ارز و تورم‌ها سهمگین به امری عادی در اقتصاد ایران تبدیل شده و با کاهش درآمد سرانه و قدرت خرید، فقر موجود در جامعه روندی تزايدی داشته است. اما در پس پرده تحریم‌ها، فرصت‌های ویژه‌ای برای کسب درآمد و ثروت خلق شده است. با این تفاسیر عده‌ای معتقدند تحریم‌ها هیچ‌گونه اثر مخربی بر اقتصاد ایران نگذاشته است، آنها استدلال می‌کنند که ایران با یافتن شرکای جدید تجاری و با تقویت ارتباط با هم‌پیمانان قدیمی خود توانسته آثار تحریم‌های اقتصادی را به حداقل ممکن برساند. آنها بر این باورند که تحریم‌ها علیه ایران شکست خورده و به‌عنوان نمونه این همه معتقدند ایران در فروش نفت خود توانسته از موانع تحریم‌ها عبور کند و با کسب مهارت‌های لازم اثر تحریم‌های اقتصادی را خنثی کند. عده‌ای نیز یا را فراتر گذاشته و تحریم‌ها را به منزله خیر می‌انديشند که در اثر تحریم‌ها، فضا برای تولیدات داخلی مهیا شده و افزایش خودکفایی در تولید، رشد اشتغال و در نهایت رفاه از خروج ارز شده است. در هر دوره‌ای از تاریخ همواره برخی افرا می‌بوده‌اند که تلاطم‌ها و بحران‌ها را به‌گونه‌ای جلوه دهند که گویی این بحران‌ها، عاقبت و بهروزی عمومی را برای جامعه به ارمغان آورده‌اند. هرچند بر همگان روشن و هوبداست که تحریم‌ها چه آثار مخرب و زیان‌باری بر بدنه اقتصاد ایران تحمیل می‌کند. آنها خود اهداف شومی را دنبال می‌کنند. منتفعان تحریم با استفاده از قدرت اقناع‌سازی چنان وانمود می‌کنند که تحریم‌ها موجبات رونق و شکوفایی اقتصاد را در پی خود داشته و خیر و مصلحت عمومی را پایه‌ریزی می‌کنند. نیروی متقاعدکردن دیگران در گذر تاریخ همواره ابزاری قوی برای دنبال‌کردن منافع شخصی یا صنفی بوده است.

خبر روز

هشداروزارت بهداشت درباره قطع خودسرانه‌درمان

ایستنا: رئیس اداره بیماری‌های عضلانی – اسکلتی دفتر مدیریت بیماری‌های غیرواگیر وزارت بهداشت با هشدار نسبت به شیوع روزافزون پوکی استخوان در کشور تاکید کرد که این بیماری «خاموش» فقط مختص سالمندان نیست و حتی کودکان درعین حال از کمبود دستگاه‌های سنجش تراکم استخوان، کاهش مصرف لبنیات و بی‌توجهی بیماران به سه ادامه درمان به یک گروه سنی خاص محدود نمی‌شود، گفت: «اگرچه پوکی استخوان می‌تواند در هر سنی رخ دهد اما اغلب در زنان بالای ۵۰ سال و مردان بالای ۷۰ سال مشاهده می‌شود و شیوع بیشتری دارد. این بیماری می‌تواند به دلیل افزایش سن و تغییرات هورمونی باشد که زنان تجربه می‌کنند. اگرچه احتمال ابتلا به این بیماری با بالا رفتن سن افزایش می‌یابد اما این احتمال وجود دارد که برخی کودکان به دلیل بیماری‌های جانبی، مصرف برخی داروها و شرایط دیگر به پوکی استخوان مبتلا شوند. در مجموع، پوکی استخوان، یک بیماری برای دوران میانسالی و سالمندی است.»
او درباره «پوکی استخوان ثانویه» توضیح داد: «هنگامی که افراد به دلیل ابتلا به یک بیماری خاص یا مصرف داروی خاص به پوکی استخوان مبتلا شوند، سخن از پوکی استخوان ثانویه به میان می‌آید؛ بنابراین پوکی استخوان ثانویه ناشی از تغییرات هورمونی و افزایش سن نیست، اگر یک بیماری خاص که سبب ابتلای فرد به پوکی استخوان شده، درمان شود، استخوان‌ها به شرایط طبیعی خود بازمی‌گردند. اگر آن بیماری خاص که سبب پوکی استخوان شده به طور کامل درمان نشود؛ افراد مبتلا می‌بایست علاوه بر داروهای آن بیماری نسبت به درمان پوکی استخوان خود اقدام کنند. بیماری‌هایی مانند روماتوئیدآرتريت، التهابی روده، بیماری‌های غدد تیروئید و پاراتیروئید، دیابت، برخی بدخیمی‌ها و سرطان‌ها و همچنین مصرف برخی داروها مانند کورتون‌ها ممکن است سبب ابتلای افراد به پوکی استخوان در هر سنی شوند. بازمهم تاکید می‌کنم، پوکی استخوان ثانویه ناشی از افزایش سن و تغییرات هورمونی نیست.» او درباره تأثیر مؤلفه‌های «افزایش سن» و «جنسیت» بر پوکی استخوان گفت: «استخوان، یک بافت است که «ساخت»، «برداشت» و «ازدست‌رفتن» استخوان به طور مداوم در آن وجود دارد و یک امر طبیعی است. بررسی‌ها بیانگر این است که میزان برداشت از بافت استخوان با بالا رفتن سن افزایش می‌یابد و در نتیجه استحکام استخوان‌ها دچار مشکل می‌شود. برخی عوامل، استعداد افراد برای ابتلا به پوکی استخوان را افزایش می‌دهند؛ به طور مثال، ابتلا به پوکی استخوان در زنان نسبت به مردان بیشتر است.»

		۸	۳		
			۹		
۷			۵		
	۲				
		۳		۷	۹
			۴		۹
	۶		۳	۸	
		۵			۶
۳				۷	۶
	۸	۷			

		۳		۱		۹
		۵		۴		
۷			۱		۸	
	۱	۳		۴		
		۸	۲	۵	۱	۹
۴		۹		۳		
	۱		۴			
		۷	۸		۲	۶
		۳		۶		۵

سودوکو سخت ۴۱۷۲

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ساده ۴۱۷۲

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عدد‌های بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

حل سودوکو ۴۱۷۱

۳	۵	۲	۴	۷	۱	۶	۸	۹
۶	۹	۱	۸	۳	۲	۷	۵	۴
۷	۴	۸	۶	۹	۱	۳	۲	۵
۵	۸	۹	۱	۴	۶	۳	۲	۷
۲	۳	۴	۷	۱	۵	۸	۱	۶
۱	۷	۶	۳	۸	۴	۱	۵	۲
۹	۲	۷	۶	۱	۸	۵	۴	۳
۴	۱	۳	۹	۵	۷	۲	۶	۸
۸	۶	۵	۳	۲	۴	۱	۷	۱

۷	۹	۵	۸	۱	۲	۴	۳	۶
۳	۶	۱	۴	۲	۷	۳	۹	۸
۴	۸	۲	۶	۳	۹	۵	۱	۷
۱	۲	۴	۹	۷	۶	۸	۵	۳
۹	۴	۸	۲	۵	۱	۷	۶	۳
۶	۵	۷	۳	۴	۸	۱	۲	۱
۲	۷	۹	۱	۸	۳	۶	۴	۵
۵	۳	۴	۷	۶	۲	۱	۸	۹
۸	۱	۶	۳	۹	۵	۳	۷	۲

حل جدول ۵۱۷۵

۱۵	۱۲	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۵	۱	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳
۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳
۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴
۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵
۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴
۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱
۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲
۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳
۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴
۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱